

پژوهشی در علی‌نامه و سبک قرن پنجم (با نگاهی به القاب و صفات حضرت علی(ع))

دکتر زهرا اختیاری

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده :

علی‌نامه کهن‌ترین مثنوی شیعی و بازمانده از قرن پنجم است. این منظومه توسط شاعری به نام ربیع (متولد ۴۲۰- زنده به سال ۴۸۲ق.) سروده شده است. موضوع آن دلاوری‌ها و رشادت‌های فوق وصف حضرت امیر مؤمنان است که در بیش از یازده هزار بیت در مدت یک سال شاعر آن را به شعر درآورده است. منظومه علی‌نامه از نظر ادبی و زبانی و دیگر دیدگاه‌ها، دارای نکات بسیار پر اهمیتی است که از ویژگی‌های زبانی قرن پنجم حکایت می‌کند. با بررسی منظومه و مقایسه نکات زبانی آن با برخی منابع کهن نتایجی به دست آمده که در مقاله بیان شده است. از جمله کاربرد کلمه «تازنان» که از لغات به کار رفته در قرون اولیه است در این منظومه که مؤید اصالت علی‌نامه است. در بخش دوم مقاله به پژوهشی در القاب و عناوین حضرت علی(ع) در صفحاتی از این منظومه پرداخته شده است. بررسی در آثار سده‌های اول هجری نشان می‌دهد که ربیع از القاب و صفات رایج در قرون اولیه اسلامی در مورد حضرت علی استفاده کرده است. در علی‌نامه شاعر از دیوان خویش هم نامی آورده است، شاعری که نزدیک به دوازده هزار بیت، را در یک سال بسراید به احتمال زیاد دیوانی هم داشته است. شاید اما مثل آثار نامعدود شاعران و نویسندگان این مرز و بوم، از این دیوان هم اثری باقی نمانده است.

واژگان کلیدی: علی‌نامه، ویژگی‌های زبانی، تازنان، ویژگی‌های القاب حضرت علی(ع).

علی‌نامه کهن‌ترین منظومه حماسی شیعی است که در قرن پنجم و حدود شصت سال پس از شاهنامه فردوسی توسط شاعری که فقط تخلصی از وی باقی است سروده شده است. سراینده این منظومه حدود یازده هزار بیتی ربیع (متولد ۴۲۰- زنده به سال ۴۸۲ق.) است. وجود نکات و ویژگی‌های لغوی و زبانی قرن پنجم در علی‌نامه از جمله مباحثی است که در سروده شدن این منظومه در قرن پنجم تردیدی باقی نمی‌گذارد.

پیشینه

علی‌نامه منظومه‌ای است که در سال‌های قبل از انقلاب تصویری از نسخه خطی آن که در ترکیه نگهداری می‌شود توسط استاد محقق مجتبی مینوی به دانشگاه تهران آورده شد و پس از آن مقاله محققانه استاد شفیع کدکنی سبب معرفی این اثر نادر و بی‌بدیل به جامعه فرهنگی ایران گردید. ضمن این که در دانشگاه اصفهان هم رساله‌ای در مورد علی‌نامه نوشته شد، در سال‌های اخیر این منظومه در آغاز به صورت فاکسیمل و مجدد به صورت حروفی چاپ شد. اما مقایسه ویژگی‌های سبک قرن پنجم و علی‌نامه و هم‌بخش پایانی مقاله، مطالبی است که برای اولین بار مورد تحقیق و پژوهش واقع شده است.

روش کار

بر اساس تفحص در متن علی‌نامه و گاه مقایسه با منابع هم‌عصر شاعر یا کهن‌تر از منظومه وی، این تحقیق انجام پذیرفته است.

در این جستار به بررسی هنر شاعری ربیع و پژوهشی در سبک قرن پنجم و سبک منظومه پرداخته شد، ضمن این که القاب حضرت امیر هم مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- هنر شاعری ربیع

گرچه نوعی سادگی در کلام ربیع دیده می‌شود که لازمه اسلوب حماسی است. اما تصاویر شعری و اغراق‌های زیبایی که دارد، حماسه را هنری‌تر ساخته است. به اختصار برخی از ویژگی‌های تصویری علی‌نامه برشمرده می‌شود:

روانی کلام ربیع:

ببودند تا روی شب شد سیاه به خورشید بر، چیرگی یافت ماه

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۳۸۴)

تشبیه‌های به کار رفته از نوع تشبیه حسّی است. این خصیصه شعر دوره اولیه است که زبان از طبیعت الهام می‌گیرد:

برآشفت طلحه از آن گفته‌ها بر او بُد چو تیر آن همه نکته‌ها

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۱۱۳۲)

نشست او بر اسب عقیلی نژاد چو شیر شکاری به مانند باد

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۶۵۹)

اغراق شاعرانه که از خصیصه‌های مهم حماسه است، به صورت اسناد مجازی، زیبا جلوه کرده است.

کجا خفته بود فتنه بیدار شد دُم مورچه چون دُم مار شد

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۶۲۴)

شیپور دشمنان علی را مانند بوق شیطان می‌داند و در نهایت بیت وصف اغراق‌گونه‌ای دارد:

دم بوق شیطان و طبل هوا چو تندر بغرید اندر هوا

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۶۲۰)

به کار بردن تعبیر کنایی که برخاسته از فرهنگ عامه مردم بوده است، مثل «خورشید را به گِل اندودن»:

و لیکن سر فتنه ما بوده‌ایم چو خورشید با گِل براندوده‌ایم

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۲۲۲)

دید مذهبی ربیع در تصویرسازی‌های او در جای جای منظومه به چشم می‌خورد. اشاره مکرر به مضامین قرآن و حدیثی در علی‌نامه جزو مشخصه‌های بارز این منظومه است. به کار بردن ترکیب قرآنی «جبل‌المتین» از آن جمله است (همان: ۲۲۶-۲۲۵).

اشاره مکرر به احادیث منقول از پیامبر گرامی اسلام در شأن و منقبت علی(ع)، که صفحه‌ای از این کتاب نیست که در آن به گونه‌ای به مضمون چنین احادیثی اشاره نشده باشد (همان، ابیات: ۱۲۲، ۱۸۲، ۱۶۱، ۱۵۲).

ربیع بر خلاف شاعران روزگار خود با دربار و تصاویر زندگی درباری بیگانه به نظر می‌رسد. «با این که در این دوره، نفوذ زندگی اشرافی در قلمرو شعر فارسی امری آشکار است و اغلب تصاویر شعری گویندگان از مظاهر زندگی اشرافی حکایت می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۶۲)، در علی‌نامه دید اشرافی به چشم نمی‌آید، چون سرمشق و نمونه انسان متعالی نزد ربیع، علی(ع) است که نبردها و درگیری‌های او در مبارزه با اشرافی‌گری به وقوع پیوست.

۲- علی‌نامه و سبک قرن پنجم

سبک و شیوه شعرها در علی‌نامه، همان سبک رایج قرن پنجم است. الف- برای مثال می‌توان به آنچه در قرن‌های چهارم و پنجم در شعر فارسی رایج بوده، در این مثنوی اشاره کرد:

کاربرد جملات کوتاه. از این نظر بی‌اغراق نخواهد بود اگر بگوییم تمام جملات در این کتاب را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از جملات کوتاه برشمرد.

استفاده فراوان از فعل‌ها، چون فعل‌های زیاد از مشخصه شعر و نثر قرن‌های اولیه است. هر چه فعل یا عمل بیشتر باشد، حرکت در فکر و مغز خواننده بیشتر و تندتر است و از ویژگی‌های سبک خراسانی به طور کلی، وجود جمله‌های کوتاه همراه با فعل است. بیشتر ابیات از حدود دوازده کلمه تشکیل شده است. و هر بیت، سه یا دو جمله است، یعنی تقریباً از هر چهار کلمه یکی از آن میان فعل است. بیشتر بیت‌های این منظومه می‌تواند مثال باشد.

استفاده از کلمات ساده خصوصیت سبک خراسانی است که از ویژگی‌های علی‌نامه هم محسوب می‌شود.

جز در برخی موارد که کلمات عربی را از متن مثنوی عربی وارد متن فارسی کرده است. از این نمونه است کلمات عربی: رمح (همان: ۹۴۴)، اعدا (همان: ۹۴۷)، مَیْزَر (همان: ۴۱۷)، عَرَز (همان: ۴۰۳)، سَلَب (همان: ۱۰۶۷)، حُسام (همان: ۱۰۷۴). در برخی ابیات ناگهان تعداد کلمات عربی فزونی عجیبی می‌گیرد: هودج (همان: ۱۲۷۳)، عسکر (همان: ۱۲۸۷)، حُلّی، سَطَب، مرصع و رطب (همان: ۱۲۷۵)، طَبال (همان: ۱۲۸۷)، و غا (همان: ۱۹۹)، حمیت (همان: ۶۵۹)، معادی (همان: ۱۲۸۷). کلمات عربی او هم نسبت به هم عصرانش، از جمله ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی، خیلی کمتر است. برخی از کاربردهای عربی نیز در نوع خود منحصر به فرد است.

به ندرت کلمات مهجور یا کهنه شده فارسی دیده می‌شود، مثل پریز:

برفتند هر دو زکین و ستیز بدان تا سپارند کارپریز

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۵۰۲)

به کار بردن «ابر» به جای «بر»:

علی آن امام است کاو را نبی اَبَر داد و دین کرد بر حق وی

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۹۴۱)

به جای «با»، صورت رایج در قرن پنجم، «ابا» را به کار برده است (و بیت: ۹۵۹):

پذیره شدند کوفیان زی امام ابا لشکری مؤمنان خاص و عام

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۹۵۵)

استفاده از دو حرف اضافه برای یک متمم که از ویژگی‌های سبک خراسانی است، در سرتاسر این منظومه به وفور دیده می‌شود:

حسین رفت بر منبر کوفه بر ثنا کرد بر ایزد دادگر

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۹۳۳)

استفاده از فعل‌های پیشوندی از قبیل «برخواندن» (همان: ۹۳۵).

ب- کلمه‌هایی که در آن عصر و در شعر شاعرانی نظیر رودکی، فردوسی و ناصرخسرو به کار رفته است، در شعر ربیع هم حضوری پررنگ دارد، از جمله به این کلمات مشترک را می‌توان برشمرد:

ایدون (این چنین)، (و ابیات ۱۶۰ و ۱۵۰):

که ایدون شنیدم من از مصطفی که کافر بود دشمن مرتضی

(ربیع، ۱۳۸۹: ۱۶۱)

ملک‌الشعراى بهار در این مورد، در بیان ویژگی‌های سبک این دور _غزنوی و سلجوقی_ نوشته است: «آوردن ایدون به جای چنین و ایدر به جای اینجا» (بهار، ۱۳۶۹: ۵۹).

مثالی از شاهنامه:

چنین داد پاسخ که ایدون کنم که کین از دل شاه بیرون کنم
(فردوسی، ۱۹۶۶، ج ۱: ۹۴۶/۱۹۸/۹۴۶)

مُستی (شکوه و شکایت):

که گر ما در این کار سستی کنیم ز تیغ علی جمله مُستی کنیم
(ربیع، ۱۳۸۹: ۳۰۷)

رودکی گوید:

مُستی مکن که نشنود او مُستی زاری مکن که نشنود او زاری
(رودکی، ۱۳۷۸: ۴۲)

ایدر (اینجا):

یگان و دوگان ایدر آهسته‌وار خرامید از بامداد آشکار
(ربیع، ۱۳۸۹: ۷۰۰۰)

در دیوان ناصرخسرو (۴۸۱-۳۹۴) هم آمده است:

- عقل تو ایدر ز بهر طاعت و علم‌ست
پس تو چرایی بد و منافق و طرّار
(ناصر خسرو، ۱۳۸۰: ۳۶۷۲)
- گُسی کردن (فرستادن)، (بیت ۹۸۶):
حمیرا نوازید وی را بسی
بگفتش به شادی کنیمت گُسی
(ربیع، ۱۳۸۹: ۷۰۲)
- در شاهنامه فردوسی هم آمده است:
گُسی کردش و خود به راه ایستاد
سپاه و سپهبد از آن کار شاد
(فردوسی، ۱۹۶۶، ج ۱: ۷۲۲/۱۸۲)
- دَنان (رفتار از روی خرامیدن و ناز):
بپرسید مروان که این‌ها که‌اند
بدین سان دمان [و] دنان از چه‌اند
(ربیع، ۱۳۸۹: ۶۷۵)
- در دیوان ناصر خسرو این کلمه آمده است:
ای همه ساله دنان به گرد دُنان در
من نه به گردِ دُنانم و نه دَنانم
(ناصر خسرو، ۱۳۸۰: ۶۶۱۹)
- زینهار خوردن (پیمان شکستن):
بترس از خدا و مخور زینهار
تو زین بیش با خویشتن، زینهار
(ربیع، ۱۳۸۹: ۱۲۰۹)
- که ناصر خسرو در دیوان بارها به کار برده است (ناصر خسرو، ۱۳۸۰: ۹۱۰۰).
چاره‌گر (درمان کننده):
اگرمان بر این غم بود چاره‌گر
تو مر عهد ما را شکسته شمر
(ربیع، ۱۳۸۹: ۳۶۴)
- فردوسی هم در شاهنامه «گرم» را آورده است:
سپهبد سوی آسمان کرد سر
که ای دادگرداور چاره‌گر
(فردوسی، ۱۹۶۶، ج ۵: ۲۴۵۳/۲۳۰)

گرم (اندوه):

بگفتند هستند دل پر ز کین نهان خانه‌ها در به گرم و حزین
(ربیع، ۱۳۸۹: ۳۸۲)

فردوسی:

پشیمان شوی زین به روز دراز بیچی زمانی به گرم و گداز
(فردوسی، ۱۹۶۶، ج ۳: ۲۴۰۷/۱۵۷)

زاستر (آن سوتر، آن طرف‌تر):

برفتند و گفتند فرمان بریم ز فرمان تو زاستر نگذریم
(ربیع، ۱۳۸۹: ۴۳۱)

در دیوان ناصر خسرو آمده است:

واندر رضای خویش تو یا رب به دو جهان از خاندان حق مکن زاستر مرا
(ناصر خسرو، ۱۳۸۰: ۱۳۰)

هیون یا تازی هیون (شتر بزرگ و تندرو) (۳۲۷):

به فرمان‌بران گفت ز آن پس کنون بیارید زیمین دو تازی هیون
(ربیع، ۱۳۸۹: ۳۳۷)

از فردوسی:

چون بنشست بر باره بفشارد ران بر آمد ز جا آن هیون گران
(فردوسی، ۱۹۶۶، ج ۳: ۳۲۰۷/۲۱۰)

گرگ پیر (استعاره از عبدالله عامری): استعاره‌ای است که در قرن پنجم رواج داشته
است:

فرو بست عهدی لعین گرگ پیر در آن حال با آن صغیر و کبیر
(ربیع، ۱۳۸۹: ۳۱۸)

ابوالفضل حسین بیهقی (۴۷۰-۳۸۵) دبیر، که معاصر ربیع است هم این استعاره را سه بار در تاریخ بیهقی به کار برده است: «و این گرگ پیر گفت: قومی ساخته‌اند از محمودی و مسعودی و به اغراض خویش مشغول» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۲۶).

این مثال‌ها، برای نشان دادن مشتی از خروار بود. برای هر مورد نمونه‌های بی‌شماری در علی‌نامه وجود دارد.

ضمن مطالعه علی‌نامه به نام دیوان سراینده نیز برخوردیم، گرچه شاعری که نزدیک به دوازده هزار بیت را در یک سال بسراید بعید نیست که دیوانی هم داشته است:

چو مجنون و لیلی من اندر وفا همی جویم آثار آل عبا
شب و روز در باغ کردارشان گل مهر جویم ز آثارشان
بر او میدیدارشان جان من پر از مدحشان کرد دیوان من
(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۱۰۰۹۷)

در میان نسخه‌های خطی که تاکنون فهرست شده، نامی از دیوان ربیع به چشم نیامده است.

۳- صفات، القاب و عناوین حضرت علی

صفات حضرت علی با توجه به القاب و عناوین به کار رفته در قرن پنجم شایستگی بررسی و تعمق دارد.

عناوین و القاب و نام‌هایی که برای حضرت علی(ع) در منظومه علی‌نامه آمده است، با عناوین آن حضرت در سده‌های آغازین اسلامی تناسب دارد. این نام‌ها برگرفته از صداقت مردم قرن‌های اول هجری است.

برای نمونه در آغاز به بیان مختصر این عناوین با انتخاب سه صفحه (۲۱۱-۲۰۹) از علی‌نامه، در ابیات متوالی ۴۶۳۰ تا ۴۶۹۱ پرداخته می‌شود، تا تکثر القاب و صفات آن حضرت نشان داده شود:

علی در منظومه بیش از دیگر اسامی آن حضرت به کار رفته است:

خبر شد بر مصریان در زمان که آمد علی با سپاهی گران
(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۴۶۵۵)

و از جمله جای دیگر آورده است:

نبد صالح‌المؤمنین جز علی

علی آن که خواند ایزد او را ولی

(همان: ۱۹)

در صفحات مذکور در ابیات ۴۶۴۹، ۴۶۵۵، ۴۶۶۲، ۴۶۶۶، ۴۶۷۱، ۴۶۹۱ نام «علی(ع)» آمده است.

مرتضی:

به دیدارشان شاد شد مرتضی

فراوان بکرد او بر ایشان دعا

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۴۶۷۴)

نامور مرتضی:

به جان بشنو ای نازش مصطفی

تو این قصه نامور مرتضی

(همان: ۴۶۳۰)

مرتضی در بیت ۴۶۸۵ هم آمده است. ناصر خسرو در دیوان این نام را برای علی(ع) به کار برده است (ناصرخسرو، ۱۳۸۰: ۴۶۲).

حیدر: کسانی که قبل از ربیع زندگی می‌کرد (پیشاهنگان شعر فارسی، ۱۳۵۶: ۱۳۶) و ناصرخسرو که معاصر شاعر بود، نام حیدر را به کرات به کار برده‌اند. ناصرخسرو در دیوان حدود پنجاه بار این نام را ذکر کرده است.

ز کردار آن حیدر دادگر

که او هست بر اصل پاکان هنر

(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۴۶۳۲)

دین‌پناه:

ز حالی که آورد چندان سپاه

ز یثرب برون برد آن دین‌پناه

(همان: ۴۶۳۳)

شه‌سوار:

سپه بود در گرد آن شه‌سوار

ز شمشیرزن مرد پنجه هزار

(همان: ۴۶۳۴)

تعبیر و تشبیه‌هایی نظیر «آفتاب بلند»، «خورشید ایمان»:

به تعجیل چون آفتاب بلند
همی‌راند خورشید ایمان نوند
(همان: ۴۶۳۶)

علی به موسی و دلدل به کوه نورو قطب نور:
تو گفستی که موسی است بر کوه طور
ابر پشت دلدل بر آن قطب نور
(همان: ۴۶۳۸)

بخت‌یار:

بر این سان همی‌رفت آن بخت‌یار
مناجات می‌کرد با کردگار
(همان: ۴۶۳۹)

ولی خدا، نفس پیغمبر:

شناسی که من بنده فرمانبرم
ولی تو و نفس پیغمبرم
(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۴۶۴۱)

وصی امین مصطفی؛ و بیت ۲۶۹۰:

شب و روز من با رضای توام
وصی امین مصطفای توام
(همان: ۴۶۴۳)

نمونه‌های بی‌شمار دیگر از اسامی و صفات و تشبیه‌ها:

میر دین:

همی‌گفت از این در سخن با خدای
علی آن به حق میر دین کدخدای
(همان: ۴۶۴۹)

شاه هدی:

به پیش هدی کرد جان را فدا
همی‌رفت برتاب شاه هدی
(همان: ۴۶۵۰)

مهتر دین و داد:

شب و روز می‌راند لشکر چو باد
به کین خواستن مهتر دین و داد
(همان: ۴۶۵۱)

آفتاب عرب:

ز بهر نماز آفتاب عرب
بکرد او یکی جای نیکو طلب
(ربیع، ۱۳۸۹، ب: ۴۶۵۳)

شاه معظم:

همه مصریان شاد و خرم شدند
ز شادی به شاه معظم شدند
(همان: ۴۶۵۶)

امام الانام (و ابیات ۱۵، ۱۹۵):

همی داد هر کس درود و سلام
ابر مصطفی و امام الانام
(همان: ۴۶۵۷)

بوالحسن:

نوازیدشان از کرم بوالحسن
دعا کرد بسیار بر تن به تن
(همان: ۴۶۵۸)

امام، (و بیت ۱۹۳، ۳۴۸):

نعیم ابن داوود گفت ای امام
عدو خواب و خور کرد بر ما حرام
(همان: ۴۶۷۵)

حیدر پاک‌دین:

چو زآن مؤمنان حیدر پاک‌دین
شنید این سخن کردشان آفرین
(همان: ۴۶۷۹)

سالار دین، مهتر:

به فرمان سالار دین مصریان به نزدیک مهتر شدند آن زمان

(همان: ۴۶۸۲)

مهتر لقبی است که در قرن‌های اولیه اسلامی در متون در لقب پیامبر گرامی اسلام به کار می‌رفته است. در کشف‌الاسرار میبیدی و دیگر متون آمده است.

نام‌دار:

سپه پیش‌تر برد پس نام‌دار چو شمشیر زن دید وی سی هزار

(همان: ۴۶۸۴)

بوتراب:

به نامه درون گفت کآمد عذاب ایا میر بر ما از این بوتراب

(همان: ۴۶۸۸)

علاوه بر ابیات انتخاب شده در سه صفحه مذکور، به برخی از دیگر صفحات هم نظری شده تا گوناگونی و دامنه وسعت اسامی، القاب و صفات آن حضرت در این مثنوی نشان داده شود:

نص

مدارا همی کرد نص همچنان سپرده بر اسب صبوری عنان

(همان: ۱۸)

صالح‌المؤمنین:

سلام و سلامت نبد بر یقین از آن قوم جز صالح‌المؤمنین

(همان: ۲۸)

وصی پیمبر، وصی امین، (و بیت ۱۲۳)، وصی‌النبی، و (بیت‌های ۲۳۵، ۱۸۲):

و لیکن نکردند از کین طلب رضای وصی پیمبر عرب

(همان: ۱۸)

جفت بتول:

امام الانام است و جفت بتول مراو را وصی کرده بر دین رسول
(همان: ۱۵۲)

ولی الله و اسد:

خدای جهان داور او را ولی، اسد خوانده مادرش و احمد علی
(همان: ۱۵۲)

شیر خدا (و بیت ۷۵۳)

کنون پیشتر ز آسمان این زمان شوم نزد شیر خدای جهان
(همان: ۱۶۸)

کسایی هم «شیر خدا» را در شعرش آورده است:

آن کیست بدین حال و که بوده ست و که باشد جز شیر خداوند جهان حیدر کرار
(پیشاهنگان شعر فارسی، ۱۳۵۶: ۱۳۶)

از جمله دیگر اسامی و صفاتی که برای حضرت آمده است، عبارتند از:

فخرالبشر (همان: ۱۶۹)، شاه عرب (همان: ۱۸۴)، امام همایون (همان: ۱۹۷)، امام هدی
(همان: ۱۹۸ و ۲۰۸)، آفتاب هدی (همان: ۲۰۲)، حیدر مرتضی (همان: ۲۱۳)، جبل المتین
(همان: ۲۲۵ و ۲۲۶)، قاضی القضا (همان: ۲۲۸)، امیر (همان: ۲۴۵)، داعی راه راست
(همان: ۲۵۳)، سالار دین (همان: ۲۶۳)، شاه (همان: ۲۶۴)، حیدره (همان: ۳۲۵)، آفتاب
حجاز (همان: ۳۴۶)، شیر نر (همان: ۷۵۲)، شیر شکاری (همان: ۶۴۹)، فخر پیغمبران
(همان: ۹۸۰)، سالار ایمان (همان: ۱۰۲۴). ربیع القاب و صفات فراوانی برای حضرت
ذکر کرده است که در فرصتی دیگر بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.

صفات و القاب به کار رفته در علی‌نامه وقتی با منابعی از جمله با مناقب ابن
شهر آشوب و کتب کهن تری مثل کتاب الجمل مفید مقایسه می‌شود، تردیدی باقی
نمی‌ماند که القاب و صفات همان‌هایی است که در قرون اولیه مورد استفاده قرار می-
گرفته است. در نتیجه به پدید آمدن این اثر در قرن پنجم تردیدی وارد نمی‌آید.

نتیجه‌گیری

این جستار شامل دو بخش اصلی است. در آغاز به بررسی ویژگی‌های سبک قرن پنجم و آن‌گاه خصوصیات زبانی علی‌نامه پرداخته شده است. بررسی سبک این مثنوی، ما را به این حقیقت رهنمون می‌کند که ربیع شاعر قرن پنجم بوده است.

شاعر دیوانی هم داشته است. و اگر مراد او از دیوان مثنوی علی‌نامه نباشد به دنبال نسخی از دیوان وی در میان نسخ خطی بی‌نام می‌باید گشت و یا مثل بی‌شمار آثار فاخر ما مفقود شده است.

در بخش پایانی به مرور سه صفحه (صص: ۲۱۱-۲۰۹) از مثنوی علی‌نامه و بررسی القاب و عناوینی که برای حضرت علی(ع) آورده است پرداخته شده است. این القاب گویای این حقیقت است که با توجه به کتب کهن سیره و مناقب، القاب و عناوینی که در منظومه ذکر شده، غالباً از کتبی که مأخذ اصلی ربیع در سرودن علی‌نامه بوده اخذ شده است و یا در آثار شیعی قرن پنجم مثل شاهنامه فردوسی و دیوان ناصر خسرو به کار رفته است.

کتاب‌نامه

- بهار، ملک‌الشعرا، سبک‌شناسی، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ بیهقی، مقدمه، تصحیح، تعلیقات، توضیحات و فهرست‌ها دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی؛ تهران، سخن، ۱۳۸۸.
- _____، پیشاهنگان شعر فارسی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۶ (۲۵۳۶).
- ربیع، علی‌نامه، تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۹.

- رودکی، دیوان شعر رودکی، پژوهش و تصحیح و شرح جعفر شعار، تهران، انتشارات مه‌مینا، ۱۳۷۸.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، ویژه‌نامه سال امام علی(ع)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال سیو دوم، شماره سوم. چهارم، مسلسل ۱۳۱-۱۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، تاریخ انتشار پاییز ۱۳۸۰.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، تهران، آگاه، ۱۳۶۶.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تحت نظر ی. ا. برتلس، تصحیح متن به اهتمام آ. برتلس، ل. گوزلیان، م. عثمانوف، او. اسمیرنوا، ع. طاهر جانوف، مسکو، ۱۹۶۶م.
- ناصر خسرو، ابومعین حمیدالدین، دیوان اشعار، به اهتمام سیدنصرالله تقوی، مقدمه و شرح سیدحسن تقی‌زاده، تصحیح مجتبی مینوی، تعلیقات علی‌اکبر دهخدا، تهران، معین، ۱۳۸۰.